

نصرت... تاجیک مطرح کرد

#### ایران و سناریوهای آتش بس غزه

حماس به سادگی از بین نخواهد رفت

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص آتش بس میان اسرائیل و حماس و میزان پایداری آن اظهار داشت: بخشی از این آتش بس اجرایی خواهد شد و با توجه به الزامات منطقه‌ای و بین المللی تا حدی هم پایدار خواهد بود. هدف اصلی ترامپ و نتانیاهو آزادسازی زندانیانی است که در اختیار حماس هستند؛ یعنی آنها دنبال این هستند که کارتی را که حماس در دست دارد از دست این گروه خارج کنند. آنچه در رسانه ها منتشر شده نشان می دهد مرحله اول توافق حاصل شده و آتش بس قرار است اجرایی شود؛ البته نتانیاهو این موضوع را منوط به تصویب در کابینه کرده و به احتمال زیاد آنجا هم تصویب خواهد شد، چون در این پرونده ترامپ نقش محوری دارد. بنابراین آتش بس و تبادل زندانیان و بخشی از عقب نشینی به محلی مورد توافق صورت خواهد گرفت. نصرت... تاجیک گفت: بحتی هم درباره فهرستی است که فلسطینی ها ارائه کرده اند و اینکه آیا اسرائیل همه افرادی را که در آن فهرست آمده آزاد خواهد کرد یا نه؛ این موضوع هم همچنان در جریان است. برای حماس آنچه اهمیت دارد، اجرای تعهدات طرف مقابل است؛ زیرا اگر زندانیان آزاد شوند، حماس دیگر اهرم بزرگی در دست نخواهد داشت. برخی اعضای مقاومت فلسطینی، از جمله آقای مصطفی برغوثی، ابراز نگرانی کرده اند که اسرائیل ممکن است پس از گرفتن امتیازها دوباره به حملات خود ادامه دهد.

اما طبق گزارش ها، گویا تضمین های چند جانبه ای از سوی آمریکا، ترکیه، قطر و مصر به حماس داده شده که روند مرحله به مرحله اجرا شود و نتانیاهو پس از تبادل زندانیان، به سرعت حملات را از سر بگیرد، اما چقدر این تضمین مطمئن است نیاز به زمان دارد؛ یک «خطی» نیز تعیین شده که نیروهای اسرائیل تا حدی عقب نشینی نکنند. حماس اما خواهان عقب نشینی کامل و خروج همه نیروهای نظامی اسرائیل است. به این دلیل، در مرحله اول توافق، آتش بس نسبتا پایدار به نظر می رسد و باید منتظر ماند و دید که مراحل بعدی چگونه پیش بروند. وی در خصوص سرنوشت حماس پس از آتش بس افزود: حماس در اصل بخشی از فرزندان مردم غزه است و یک تفکر مبارزه ضد صهیونیستی برای رفع اشغال در چارچوب دفاع مشروع و جریان سیاسی، نظامی محسوب می شود؛ بنابراین به این سادگی از بین نمی رود. سرنوشت دقیق آن بستگی دارد به چگونگی بازی کردن کارت ها توسط طرف های مختلف و میزان ایستادگی حماس در برابر مطالبات طرف مقابل. به نظر من تحمیل آتش بس ناشی از آن است که اسرائیل نتوانست به اهداف سگانه اش دست یابد، نابودی حماس، بازگرداندن گروهان ها به طور کامل، و خروج یا کوچاندن مردم غزه، چون این اهداف تحقق نیافت، ترامپ وارد عمل شد تا بحران و هزینه های سنگین آن را مدیریت کند. بنابراین می توان گفت حماس به عنوان بازیگری مؤثر، باقی خواهد ماند و احتمال موافقت آن با خلع سلاح کامل بعید است. این کارشناس مسائل منطقه بیان کرد: حماس بعید است هیأتی که ترامپ برای اداره غزه پیشنهاد داده را بپذیرد؛ حماس تمایل دارد که مدیریت غزه توسط شخصیت های ملی فلسطینی انجام شود، و چندان علاقه ای ندارد سهم خود را در مدیریت اوضاع غزه پس از جنگ که اسرائیل آن را شخم زده، حفظ کند.

#### نتیجه نهایی

تاجیک در خصوص نقش ایران و بازیگران منطقه ای در تعیین سناریوهای آتی عنوان کرد: بازی ایران و توانایی آن در ایجاد اجماع یا همراهی با چین و روسیه، و همچنین مولفه های هسته ای و موشکی و ظرفیت های منطقه ای اش، بر محاسبات کلنی تأثیر دارد. به عبارت دیگر، تحولات بعدی نتیجه مجموعه ای از پیوستگی ها و تعاملات منطقه ای و بین المللی است؛ نه صرفا تصمیم یک بازیگر واحد. بنابراین سناریوهای محتمل آینده را باید با در نظر گرفتن همه این حلقه های زنجیره تحولات و تصمیمات تحلیل کرد. وی ادامه داد: در مجموع اینکه آتش بس فعلی تا مرحله اول (تبادل زندانیان و محدودسازی عملیات نظامی) نسبتا قابل اتکا به نظر می رسد، اما پایداری بلندمدت آن وابسته به اجرای تعهدات طرف مقابل، تضمین های بین المللی، و رفتار آتی اسرائیل است. حماس احتمالا همچنان به عنوان بازیگر و نیروی مؤثر باقی می ماند و وقوع جنگ اسرائیل با حزب... و انصار... محتمل ولی نه حتمی است؛ نتیجه نهایی به بازی سیاسی، نظامی مجموعه ای از بازیگران منطقه ای و بین المللی بستگی دارد. به هر صورت در قدم اول شاهد سه بیابنه، سه آرزو بودیم: ترامپ، مرد صلح نتانیاهو، آزادی اسرا حماس پایان جنگ، عقب نشینی نظامیان و ورود کمکهای انسانی. ایران امیدوار به ایفای تعهدات و پایان رنج مردم غزه که ایستادگی شان درمقابل نسل کشی نتانیاهو، اهدافش را به شکست کشاند؛ مردم غزه با ۶۷۰۰ شهید که قسمت عمده آن غیر نظامیان زن و کودک بودند، هزینه سنگینی برای حفظ آن پرداخت کردند. سازمان ملل، فقط بیابنه داد. این مناسبات ناعادلانه بین المللی است. راه درازی در غزه در پیش رو است و اگر اسرائیل با مشروعیت آسیب دیده خواهان امیکت مطلق از طریق نظامی باشد و غزه را ترک نکند، اینک منبع تنش دائمی آتی است! اما دستاورد تحمیل آتش بس به اسرائیل و تبادل زندانیان حاصل مقاومت و پایداری مردم غزه و اعتماد حماس به مبارزه مسلحانه و نیروی ذاتی سازش ناپذیر با اشغالگر است؛ و اما ایران ضمن حمایت از آتش بس، امیدوارانه به دو سناریو نگاه می کند. تا با همراهی با هنجاری انسانی؛ اسرائیل و آمریکا این آتش بس به بعد را که حاصل شکست اسرائیل در تأمین اهداف حمله به غزه است راترجمه سیاسی برای تأمین حقوق فلسطینی ها نمایند. با ترجمه نظامی برای رویارویی با حزب... و انصار... در قدم بعدی نمایند. طبعا منافع ایران درتحقق سناریوی اول و در صورت سناریوی دوم ابراز حساسیت و موضع گیری خواهد بود.

مرتضی مکی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

## ایران بر سرب یک دوراهی استراتژیک در سیاست خارجی قرار گرفته است



همچنان باید با تردید به آتش بس غزه نگاه کرد

حماس در بیابنه خود از همه کشورها تشکر کرد بجز ایران



اعلام می کنم که اسرائیل و حماس هر دو «فاز نخست» طرح صلح ما را امضا و تأیید کرده اند. این بدان معناست که تمام گروهان ها به زودی آزاد خواهند شد و اسرائیل در نخستین گام ها به سوی صلحی نیرومند، پایدار و ماندگار، نیروهای خود را تا خط مورد توافق عقب خواهد برد. با همه طرف ها منصفانه برخورد خواهد شد» و افزود: «امروز، روزی بزرگ برای جهان عرب و مسلمان، برای اسرائیل، برای همه کشورهای پیرامون و برای ایالات متحده آمریکا است». او همچنین از قطر، مصر و ترکیه و دیگر میانجی گران برای تحقق این توافق قدردانی کرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم ترین پیام های این توافق با مرتضی مکی تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده که در ادامه می خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: حماس و اسرائیل پس از کش و قوس های فراوان و کشته شدن انسان های بی گناه زیادی در نهایت به توافق رسیدند. حماس روز پنجشنبه طی بیانیه ای اعلام کرد که در جریان مذاکرات غیرمستقیم با اسرائیل در شرم الشیخ مصر، به توافقی دست یافته است که پایان جنگ در غزه را رقم می زند. در این بیانیه آمده است: «به توافقی دست یافته ایم که پایان جنگ در غزه، عقب نشینی نیروهای اسرائیل، ورود کمک های بشردوستانه و تبادل زندانیان را مقرر می کند». حماس همچنین از دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا خواست اسرائیل را به اجرای کامل این توافق ملزم کند و «اجازه ندهد در اجرای آنچه مورد توافق قرار گرفته طفره برود یا تعلل کند»، ترامپ در شبکه اجتماعی تروت سوشال نوشت: «با افتخار

اسرائیل و آمریکا و کشورهای اروپایی با حمایت هایی که از اسرائیل در مقابل حماس انجام دادند تا حدود زیادی از خطوط قرمز گذشته عبور کردند و دست اسرائیل را برای انجام هر جنایتی در غزه باز گذاشتند

نیز پیش رفت. با این وجود جنایت هایی زیادی که اسرائیل در غزه انجام داد ترامپ را به جایی رساند که نمی توانست نسبت به این جنایت ها بی تفاوت باشد. این در حالی بود که ترامپ در مقابل بحران اوکراین و مقابله با ایران به دستاورد مهمی دست پیدا نکرد و به دلیل اینکه وی به دنبال به دست آوردن جایزه صلح نوبل است ابتکار عمل وی در آتش بس غزه می توانست برای رسیدن به این هدف موثر باشد. البته ابتکار عمل طرح آتش بس غزه تنها مختص به ترامپ نبوده و این طرح با همکاری کشورهای ترکیه، قطر و مصر به دست آمده است. این کشورها نیز در تعیین طرح ۴ ماده ای ترامپ نقش موثری داشته اند. از سوی دیگر حماس نیز در غزه تحت فشار زیادی قرار داشت. در دو سال گذشته لایه های یک، دو سه و فرم اند ها حماس مورد هدف قرار گرفتند. از سوی دیگر بین شاخه نظامی و سیاسی این جنبش نیز شکاف ایجاد شده بود. به دلیل از دادن دادن فرماندهان کلیدی و شکافی که در این جنبش ایجاد شده بود، حماس باید واکنشی متفاوت نسبت به طرح آتش بس در غزه از خود نشان می داد.

چرا این تصمیم در این مقطع زمانی گرفته شد؟ در دو سال گذشته تلاش های زیادی برای آتش بس

نفرت و انزجار افکار عمومی جهان را در سخنرانی نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل شاهد بودیم که تعداد زیادی از هیات های خارجی در زمان سخنرانی نتانیاهو سالن سخنرانی را ترک کردند

حسن بهشتی پور:

## برخی می گویند با آتش بس در غزه حالا می آیند سراغ ایران

سراغ لبنان، عراق و یمن می روند؟» بنابراین این صحبت نیز تنها یک حدس تحلیلی است. اگر بخواهیم براساس یک منطق و رویکرد درست تحولات خاورمیانه را تحلیل کنیم قطعا به این سادگی آتش بس در غزه تبدیل به یک جنگ دیگری شود. این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی اظهار کرد: البته اجرای همین آتش بس نیز با پیچیدگی هایی همراه خواهد بود مثلا یکی از این پیچیدگی ها خارج کردن اجساد اسیران فوت شده در زیر آوار و تحویل آنها به اسرائیل خواهد بود. نکته دیگر آنکه مشخص نیست پس از آزادی اسیران زنده و تحویل اجساد اسرای مرده، آتش بس پارجا بماند چون از صحبت های

آتش بس پارجا بماند چون از صحبت های

انجام شد. در دوران ریاست جمهوری بایدن وزیر خارجه این دولت بیش از ۱۱ بار به منطقه سفر کرد تا بتواند بین اسرائیل و حماس سازش ایجاد کند. با این وجود در دقیقه نود بسیاری از توافقات توسط نتانیاهو رد می شد و هیچ کدام از ابتکار عمل هایی که صورت گرفت در نهایت به یک توافق و یا آتش بس منجر نشد. در ماه های گذشته حماس و اسرائیل تحت فشار دولت های غربی برای رسیدن به توافق قرار داشتند. این در حالی بود که راهیمیایی ها و اعتراضات گسترده ای در کشورهای غربی علیه جنایت های اسرائیل به راه افتاده بود که همه این عوامل در شکل گیری آتش بس صورت گرفته نقش داشت. نفرت و انزجار افکار عمومی جهان را در سخنرانی نتانیاهو را در مجمع عمومی سازمان ملل شاهد بودیم که تعداد زیادی از هیات های خارجی در زمان سخنرانی نتانیاهو سالن سخنرانی را ترک کردند. همه این عوامل باعث شد که در نهایت بین اسرائیل و حماس توافق صورت گرفت.

پس از برقراری آتش بس ترامپ از ایران تشکر کرد و پوتین نیز عنوان کرد که سران اسرائیل از وی خواسته اند که به تهران این پیام را برساند که قصد درگیری جدید ندارند. در چنین شرایطی معادلات پیرامون ایران در منطقه به چه صورت پیش خواهد رفت؟

من فکر می کنم هنوز باید با تردید به آتش بس در غزه نگاه کرد و از سوی دیگر با توجه به تحولات منطقه باید با نتانیاهو با احتیاط مواجه شد. ایران یکی از حلقه های آتش بس در غزه بوده و اینکه ایران چه رویکردی نسبت به این توافق داشته باشد یک دوراهی بسیار مهم و استراتژیک در سیاست خارجی ایران و سیاست منطقه ای خواهد بود. آقای سنایی معاون سیاسی رئیس جمهور در هفته گذشته درباره این دو راهی صحبت کرد که آیا ایران قرار است همچنان رویکرد گذشته را در پیش بگیرد و یا رویکرد جدیدی با توجه به اقتضائات منطقه در پیش گیرد. مثلا با وجود اینکه دو کشوروری رانمی پذیرد، اما در سیاست های گذشته بازنگری می کند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که زمانی که مردم فلسطین دنبال رسیدن به توافق در این زمینه هستند، احتمالا ایران نظر مردم فلسطین را خواهد پذیرفت. اگر به بیابنه حماس برای تشکر از کشورهایی که در این توافق نقش داشتند دقت کنیم متوجه می شویم که هیچ نامی از ایران در این بیابنه برده نشد. این در حالی است که ایران در بین کشورهای منطقه بیشترین هزینه سیاسی، نظامی، اقتصادی و جانی را برای این موضوع داده است. در تنظیم این توافق نیز کشورهایی مانند مصر، ترکیه و قطر حضور داشتند که نسبت به ایران هزینه های بسیار کمتری درباره مسأله فلسطین داده اند و ایران به عنوان کشوری که سال ها و دهه ها در این زمینه هزینه داده نقشی در تنظیم این توافق نداشته است.

وزیر دارایی اسرائیل این طور بر می آید که صهیونیست ها نقشه دارند که دوباره حمله کنند.

وی با بیان اینکه هنوز نمی توان به قطع گفت صلح در غزه برقرار شد چه رسد به آنکه بخواهیم جنگ را به سایر نقاط توسعه دهیم، ادامه داد: برخی ها در ایران می گویند «حالا ممکن است به سراغ ایران بیایند» یعنی از نگاه این افراد یمن، عراق و لبنان جای خود، حتی شاید دامنه جنگ به ایران هم برسد. بهشتی پور تصریح کرد: همه این اظهار نظر ها فاقد پشتوانه مستدل و فکت قوی هستند. متأسفانه همه ما عادت کردیم درباره موضوعات مختلف می باقیم و بافته های مان را در رسانه ها یا شبکه های اجتماعی منعکس می کنیم. افراد مختلف بارها در تابستان می گفتند «مناسبت های محرم و صفر تمام شود حتما دوباره به ایران حمله می کنند»، قریب به ۲ ماه از اربعین گذشت و اتفاقی هم نیفتاد. معتقدم کسی که از حمله و جنگ دوباره صحبت می کند حتما باید دلایل و مستندات خود ش را هم شرح دهد.

#### کاستی های طرح صلح ترامپ

#### سیروس حاجی زاده

#### کارشناس مسائل بین الملل

جنگ اسرائیل در نوار غزه که از سال ۱۴۰۲ آغاز شده و در آستانه ورود به سومین سال خود قرار دارد، به یکی از پیچیده ترین و طولانی ترین منازعات ژئوپولیتیک خاورمیانه تبدیل شده است. این درگیری مسلحانه، فراتر از ابعاد صرفا نظامی، به بحرانی چندلایه با پیامدهای انسانی، سیاسی و اقتصادی گسترده مبدل شده که تبعات آن در سطوح منطقه ای و بین المللی محسوس است. تخریب زیرساخت های حیاتی، فروپاشی نظام بهداشتی، گسترش فقر و بی خانمانی در غزه، نمایانگر یک وضعیت اضطراری انسانی است که به چالش های ساختاری در نظم امنیتی منطقه ای دامن زده است. در این چارچوب، طرح ۴ بندی موسوم به «صلح و آتش بس»، که در مهرماه ۱۴۰۴ توسط دونالد ترامپ و نتانیاهو، به طور مشترک اعلام شد، تلاشی بود برای ارائه یک نقشه راه برای پایان دادن به خصومت ها. با این حال، این ابتکار دیپلماتیک به دلیل فقدان جامعیت و مشارکت واقعی بازیگران غیردولتی فلسطینی – به ویژه حماس – با انتقادات گسترده ای از سوی بازیگران منطقه ای، نهاد های بین المللی و تحلیل گران سیاسی مواجه شد. این عدم فراگیری، به ویژه در شرایطی که توازن قدرت به شدت به نفع یک طرف درگیری تنظیم شده بود، از همان ابتدا مشروعیت و کارآمدی این طرح را با چالش مواجه ساخت. از منظر ساختار محتوایی، این طرح بر مؤلفه هایی نظیر آتش بس فوری، تبادل محدود اسرا، خروج تدریجی نیروهای اسرائیلی، بازسازی نوار غزه و تسلیک یک دولت موقت فلسطینی تأکید می کند. اما بررسی دقیق تر نشان می دهد که این اجزای فاقد توازن در تعهدات متقابل و فاقد مکانیسم های اجرایی الزام آور هستند، به گونه ای که در عمل، منافع امنیتی و ژئوپلیتیکی اسرائیل را تثبیت می کنند. به طور خاص، بند مربوط به تبادل اسرا، الزام حماس به بازگرداندن تمامی اسرای اسرائیلی و حتی اجساد کشته شدگان را مطرح می کند، در حالی که آزادی زندانیان فلسطینی با شروط پیچیده و در سطحی محدود پیشنهاد شده؛ امری که نشان دهنده نوعی عدم تقارن نامادین و استراتژیک است. از سوی دیگر، شرط خروج نیروهای نظامی اسرائیل از غزه به خلع سلاح کامل حماس و استقرار نیروهای بین المللی منوط شده است، اما فقدان زمان بندی مشخص و چارچوب حقوقی مشخص برای این مورد، ما، موجب تداوم اشغالگری با صورت بندی جدید می شود. حذف نقش حماس از ترتیبات سیاسی پس از درگیری و تشکیل دولت موقت تکنوکرات تحت نظارت بین المللی – عمدتا با هدایت امریکا و برخی متحدان غربی – نیز نشانگر تضعیف اصل «حق تعیین سرنوشت» و تقلیل جنبش های مقاومت به گنگستران غیردولتی فاقد مشروعیت سیاسی است. در واقع، این دولت موقت می تواند به ازای رای باز تولید همونی سیاسی اسرائیل در قالبی به ظاهر نهادینه و مشروع بدل شود. از منظر سیاست بین الملل، طرح ترامپ مؤلفه های کلیدی برای تحقق یک صلح پایدار را فاقد است. عدم وجود سازوکارهای نظارتی مؤثر، ابهام در نقش بازیگران ثالث و نیروهای بین المللی، و فقدان سازوکارهای حل و فصل اختلافات از جمله کاستی های راهبردی این طرح محسوب می شوند. علاوه بر این، تشدید شکاف های سیاسی میان کرانه و حدرت و نوار غزه و عدم ارائه چارچوبی برای وحدت ملی فلسطینی، پیامدهای منفی برای انسجام داخلی فلسطینیان دارد و به پیچیدگی های بحران افزوده است. در سطح حقوق بین الملل، این طرح از عدم التزام به قطعنامه های شورای امنیت و اصل شناسایی دولت مستقل فلسطینی رنج می برد. استفاده مبهم از مفاهیمی مانند «آرمان فلسطینیان» بدون ارائه ضمانت های حقوقی مشخص، از نوعی بی توجهی به اصول بنیادین حقوق بین الملل عمومی و حقوق بشر حاکی است. این خلأ، به طور طبیعی، مشروعیت سیاسی طرح را در محافل بین المللی به چالش می کشد. اعلام این طرح در شرایطی انجام شد که اسرائیل با بحران مشروعیت بین المللی در پی عملیات های گسترده نظامی در غزه مواجه بود و برخی دولت های اروپایی حمایت بی قید و شرط خود را کاهش داده بودند. در همین حال، آمریکا نیز تحت فشارهای داخلی ناشی از تغییر افکار عمومی نسبت به بحران فلسطین و الزامات سیاست انتخاباتی، در پی بازسازی اعتبار دیپلماتیک خود در منطقه بود. از این رو، این طرح بیشتر یک ابزار ژئوپلیتیکی برای حفظ موقعیت اسرائیل و تحکیم نفوذ آمریکا در خاورمیانه به شمار می رود تا ابتکاری برای تحقق صلح عادلانه. همچنین، اختلافات جزئی در کنگره آمریکا، به ویژه میان جناح های حامی فلسطین و لابی های حامی اسرائیل، بستر اجرای این طرح را به شدت تضعیف کرده است. تحولات میدانی پرشتاب و عدم وجود آتش بس پایدار، نیز فرصت اجرای این ابتکار را به حداقل رسانده است. در یک جمع بندی کلی، طرح ترامپ به سادگی که با تعدیلات اسرائیلی همراه بود، نه تنها ظرفیت های لازم برای حل و فصل ریشه ای بحران برای ایجاد صلح فاقد نیت، بلکه در عمل به ابزاری برای تثبیت ساختارهای نابرابر موجود و تضعیف حقوق بنیادین فلسطینی ها تبدیل شده است. غیبت مشارکت فراگیر فلسطینیان، عدم توازن تعهدات، فقدان مکانیسم های اجرایی و چشم پوشی از اصول حقوق بین الملل، تحقق اهداف این طرح را با ابهام و شکست محتمل مواجه می سازد.